

بررسی فرآیند تکرار در زبان کردی در چهارچوب نظریه بهینگی

سید محمد رضی نژاد^۱

استادیار گروه زبان شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

فریده الله یاری

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

(از ص ۵۹ تا ص ۷۵)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۵/۲۷؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۱۲/۲۰

چکیده

در مبحث صرف، فرآیند واژه سازی از مباحث مهم است. در میان فرآیندهای واژه سازی، فرآیند تکرار در اکثر زبانها متداول است. مطالعات مختلف در زبانهای گوناگون نظریه های متفاوتی را نسبت به این فرآیند در پی داشته است. نظریه بهینگی درصدد کشف اشتراکات زبانی است. این نظریه رویکرد جدیدی به ساخت واجی، صرفی و نحوی زبانها داشته و توانسته فرآیند تکرار را که همواره برای رویکردهای قاعده بنیاد چالش بوده با اعمال محدودیتها تبیین کند. در این مقاله فرآیند تکرار در زبان کردی در چهارچوب بهینگی مورد بررسی قرار می گیرد تا روشن شود که نظریه بهینگی چگونه فرآیند تکرار در زبان کردی را تحلیل می کند. در بخش تحلیل، نمونه هایی از این فرآیند معرفی و در قالب نظریه بهینگی بررسی می شوند. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی است. داده ها از فرهنگ لغت کردی-فارسی (ههنبانه بورینه) و برخی از گویشوران این زبان استخراج شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد که انواع مختلف فرآیند تکرار در زبان کردی بر اساس الگوهای ساختاری خاصی که دارد، از محدودیت های خاصی تبعیت می کنند. محدودیتها در هر نوع از فرآیند تکرار در زبان کردی سلسله مراتب خاص خود را دارند. حتی در یک نوع خاصی از این فرآیند بسته به ساختار واژی دوگان ساختها، محدودیتها و مرتبه بندی آنها نیز متفاوت است که ناشی از الگوی ساختاری آنها است. با مرتبه بندی متفاوت محدودیت های پایایی و نشان داری، می توان ساخت انواع واژه های مکرر زبان کردی را بر اساس معنایی که دارند، تحلیل و توصیف کرد.

واژه های کلیدی: ساخت واژه، فرآیند تکرار، نظریه بهینگی، زبان کردی، تعامل محدودیتها

۱- مقدمه

در غرب ایران که سلسله جبال زاگرس چهره‌ای کوهستانی به آن بخشیده و همچنین سرزمین‌های کوهستانی واقع در مغرب فلات ایران، شامل قسمت‌های شرقی و جنوبی خاک ترکیه، شمال شرق سوریه، شمال عراق و مناطق غربی کشور ایران گروهی از مردم زندگی می‌کنند که زبان آن‌ها با وجود انشعابات متعدد همگی کردی خوانده می‌شود. این زبان دارای ماهیت هندواروپایی است که مادر تمام زبان‌های ایرانی قدیم و جدید از جمله؛ اوستایی، فارسی باستان و زبان‌های ایرانی نو همچون فارسی، کردی، پشتو و آسی است (آرلاتو^۱، ۱۳۸۴). زبان کردی دارای زیرشاخه‌های متفاوتی است که هرکدام چندین گویش و لهجه را در خود جای داده است. شاخه‌های زبان کردی از دیدگاه رخدادی (۱۳۷۹) به شرح زیر است:

الف) کرمانجی شمالی: مشتمل بر گویش‌های جزیره‌ای، هکاری، بایزیدی، بوتانی، شمدینانی و...

ب) کرمانجی جنوبی: مشتمل بر گویش‌های مکرپانی، سورانی، اردلانی و جافی

ج) کرمانشانی-لری: مشتمل بر کرمانشانی، لری، فیلی، لکی و بختیاری

د) گورانی-زازایی: مشتمل بر گورانی (اورامی) و زازایی

که در این پژوهش گویش اردلانی (منطقه دیواندره) از شاخه کرمانجی جنوبی یا سورانی به‌طور اخص مورد بررسی قرار می‌گیرد.

زبان کردی سیستم و نظام خاص خود را داراست که بررسی همه‌جانبه آن در این پژوهش امکان‌پذیر نیست؛ اما آنچه برای نگارنده قابل توجه است فرآیند واژه‌سازی تکرار یا دوگان سازی^۲ است. این فرآیند در زبان کردی از زیاترین فرآیندهای واژه‌سازی است. این فرآیند در بیشتر زبان‌های دنیا، فرآیند ساختواژی متداول و افزایشی است و در آن تمام یا جزئی از عنصر افزوده‌شده را پایه تعیین می‌کند (اسپنسر^۳، ۱۹۹۱).

هسپلمت^۴ (۲۰۰۲) و لیبر^۵ (۲۰۰۹) تکرار را فرآیندی ساختواژی می‌دانند که در آن همه‌ی پایه یا بخشی از آن تکرار می‌شود. در فرآیند تکرار عنصری به پایه اضافه می‌شود که پایه در تعیین شکل آن نقش اساسی دارد. در این شیوه ساخت‌واژه، تمام یا بخشی از

1. Arlato

2. reduplication

3. Spenser

4. Haspelmath

5. Lieber

پایه در سمت چپ یا راست و یا گاهی در وسط پایه تکرار می‌شود؛ بنابراین در زبان‌های گوناگون فرآیند تکرار کامل^۱ و یا تکرار ناقص^۲ پیشوندی، پسوندی و میانی وجود دارد در آن‌ها وند افزوده‌شده، یعنی جزء مکرر^۳ شکل ثابتی ندارد و متأثر از شکل پایه است (اسپنسر ۱۹۹۱: ۱۳؛ تراسک^۴، ۱۹۹۷: ۱۸۴). سپیر (۱۹۲۱) متوجه بود که حتی در انگلیسی دوگان‌سازی به‌طور کامل مهجور نیست. وی به مصادیقی از این قبیل اشاره می‌کند:

معنی	دوگان‌سازی
اظهار تنفر و انزجار	(۱) pooh-pooh

در این نمونه‌ها بخش‌های تکراری نه نقش دستوری دارند و نه نقش معنایی بلکه وند محسوب می‌شوند. در زبان پایاگو^۵، برای ساخت صورت جمع، هجای نخست اسم مفرد قبل از پایه به‌عنوان پیشوند تکرار می‌شود؛ اگر هجای اول اسم مفرد به‌صورت CV باشد جزء مکرر به‌صورت CVV تکرار می‌شود که این نمونه مصداق خوبی از کاربرد دوگان-سازی در نشان دادن اسم‌های جمع است:

جمع	معنی	مفرد
baabana	«گرگ صحرایی»	(۲) bana

گاهی دوگان‌سازی با تکرار رخداد یا عمل همراه است؛ جزء مکرر بعد از پایه به‌طور کامل تکرار می‌شود که در این موارد تکرار کامل رخ می‌دهد و جزء مکرر بر مفهوم پایه می‌افزاید و انجام کار و عمل را به‌صورت مکرر نشان می‌دهد:

زبان	معنی	دوگان‌سازی	معنی	پایه
(Twi)	«شمار شمار مردن»	WUWU	«مردن»	(۳) wu

موراوسیک^۶ (۱۹۷۸: ۳۱۹) پدیده‌های مشابهی را در زبان‌های غیر مرتبط بیان می‌کند:

1. total reduplication
2. partial reduplication
3. reduplicant
4. Trask
5. Papago
6. Moravcsik

زبان	معنی	دوگان ساخت	معنی	پایه	(۴)
(Tzeltal)	«تمام دو»	barbar	«دو»	bar	
(Mandarin)	«هرکس»	renren	«مرد»	ren	
(Malay)	«بچه‌های مختلف»	anakanak	«بچه»	anak	

دوگان‌سازی در افعال اغلب نشانگر تداوم، بسامد یا تکرار یک رخداد یا یک عمل است. در بعضی موارد تکرار با مشارکان یکسانی سروکار دارد مثل موارد زیر:

زبان	معنی	دوگان ساخت	معنی	پایه	(۵)
تزلتال	«آرام، مکرر لمشش کن»	pipik	«لمشش کن»	pik	

دوگان‌سازی اغلب معنای فراوانی دارد و نشانگر افزایش در اندازه، بسامد یا شدت است. مثال‌های زیر را در نظر بگیرید:

زبان	معنی	دوگان ساخت	معنی	پایه	(۶)
ترکی	«کاملاً پر»	dopdolu	«پر»	dolu	
تایلندی (Thai)	«بی‌نهایت خوب بودن»	diidii	«خوب بودن»	dii	

همان‌طور که مشاهده شد فرآیند تکرار در اکثر زبان‌های شناخته‌شده بشری وجود دارد و فرآیندی زیاست. در پژوهش پیش رو انواع تکرار در زبان کردی در چهارچوب نظریه بهینگی بررسی می‌شود؛ و درنهایت هدف اصلی پژوهش رسیدن به همگانی‌ها و اشتراکات بین زبان‌ها در قالب نظریه بهینگی است. پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخ‌هایی برای این پرسش‌هاست که: الگوی دوگان‌سازی در زبان کردی چگونه است؟ نظریه بهینگی چگونه از عهده تبیین فرآیند دوگان‌سازی در زبان کردی برمی‌آید؟ چه محدودیت‌هایی برای تبیین فرآیند دوگان‌سازی در زبان کردی به کار بسته می‌شود و ترتیب آن‌ها برچه اساسی است؟

برای پاسخگویی به پرسش‌های پیش‌گفته، پیکره داده‌ها به دو روش اسنادی و میدانی جمع‌آوری شده‌اند. داده‌های اسنادی از فرهنگ لغت‌های کردی چون فرهنگ لغت جامع «هه نپانه بورینه»^۱ عبدالرحمن شرفکندی (هه ژار)^۲ (۱۳۶۹) و بخش دیگر از طریق مصاحبه حضوری با گویشوران جمع‌آوری شده‌اند. این در حالی است که شم زبانی

^۱. هه نپانه بورینه (Hanbana Borina) نام فرهنگ لغت کردی به کردی فارسی است در ترجمه کردی به معنای انبان و خورجینی است که هر آنچه را که آرزو کنی می‌توانی از آن بیرون بیاوری.
^۲. عبدالرحمن شرفکندی معروف به هه ژار (Hazhar) شاعر و فرهنگ‌نویس معروف کرد.

یکی از نگارندگان نیز به‌عنوان گویشور بومی یکی دیگر از منابع گردآوری داده‌های موردنیاز پژوهش بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است. در ادامه بخش مقدمه که از نظر گذشت، به معرفی بخش نظری و چهارچوب بررسی که همان بهینگی است می‌پردازیم و در بخش سوم رویکرد این نظریه به فرآیند تکرار بررسی می‌شود و در بخش چهارم به تحلیل فرآیند دوگان‌سازی در زبان کردی در چهارچوب بهینگی پرداخته می‌شود و در نهایت بخش پایانی مقاله بیانگر دستاوردهای پژوهش خواهد بود.

۲- مبانی نظریه بهینگی

نظریه بهینگی لزوماً یک نظریه واج‌شناسی نبوده است بلکه نظریه کلی در زبان‌شناسی است که به دلیل قابلیت آن در واج‌شناسی عمدتاً برای این بخش از زبان‌شناسی به کار گرفته شده است؛ و تأثیر آن بر واج‌شناسی شگرف بوده است. واج‌شناسان زایشی به دنبال تعمیم‌های واجی هستند یعنی قواعد واجی که بتوان آن‌ها را بر تمامی زبان‌های بشر که از هم متفاوت هستند تعمیم داد. این نظریه یک الگوی زبان‌شناختی بر پایه این فرضیه است که صورت‌های زبانی ناشی از تعامل میان محدودیت‌های متقابل و متضاد هستند. نظریه بهینگی شامل بخش‌هایی است که در زیر توضیح داده می‌شوند.

۲-۱- تولید در بهینگی

اولین مرحله در بهینگی تولید است که در دو مرحله انجام می‌گیرد

۲-۱-۱- مولد^۱

بعد از ورود درون‌داد آن را به دسته‌ای از خروجی‌های محتمل تبدیل می‌کند این خروجی‌های محتمل در بهینگی، گزینه نامیده می‌شوند، برخی از این گزینه‌ها لزوماً باید همانند درون‌داد، بدون تغییر بمانند. برخی دیگر می‌توانند تا حدی پذیرای یک سری تغییرات باشند و در گروه سوم، گاه این تغییرات به‌گونه‌ای است که درون‌داد دیگر

^۱ . generator

قابل‌شناسایی نخواهد بود. رابطه میان اجزای درون‌داد و خروجی در مولد، توسط یک رابطه نابرابر به هم مرتبط می‌شوند که تناظر^۱ نام دارد (ویلسون^۲، ۲۰۰۱: ۱۴۸).

۲-۱-۲- ارزیاب^۳: در مسیر انتخاب گزینه مطلوب، جهت برون‌داد بهینه، مجموعه‌ای از محدودیت‌ها وجود دارد. کار ارزیاب این است که از میان گزینه‌های محتمل، آن گزینه‌ای را انتخاب کند که محدودیت‌های موجود بر سر راه تولید را، به بهترین شکل، ارضا کند که این گزینه همان برون‌داد بهینه دستگاه بهینگی خواهد بود (پرینس و اسمولنسکی^۴، ۱۹۹۳: ۷۸).

۲-۲- محدودیت‌ها

در نظریه بهینگی محدودیت‌های حاکم برای ارزیابی دو نوع‌اند:

الف) محدودیت‌های نشان‌داری: این نوع محدودیت، خوش‌ساخت بودن برون‌داد را تضمین می‌کند. از تولید ساخت‌های دشوار از دیدگاه تولیدی و ادراک، همانند خوشه‌های همخوانی و عبارات فاقد هسته جلوگیری می‌کند.

ب) محدودیت‌های پایایی: این محدودیت در تلاش است که بیشترین مشابهت را بین درون‌داد و برون‌داد دستگاه واجی ایجاد کند؛ مثلاً گاه تمامی همخوان‌های ورودی در خروجی نیز باید وجود داشته باشد. دبیر مقدم (۱۳۸۹: ۴۳) در این ارتباط بیان می‌کند: محدودیت پایایی در تلاش است نوعی همانندی را بین درون‌داد و برون‌داد تضمین کند تا از ایجاد فاصله ساختاری زیاد میان آن دو جلوگیری کند.

۳- فرآیند تکرار در نظریه بهینگی

دوگان‌سازی همواره در واژه‌شناسی موضوع مهمی بوده است. با توجه به اقبال فراوان نظریه بهینگی به دوگان‌سازی، ارزیابی ما از واژه‌شناسی بهینگی بر دوگان‌سازی متمرکز خواهد بود. این در حالی است که معتقدیم که الگوی تمام‌عیار این نظریه باید به تمام جنبه‌های واژه‌شناسی عنایت داشته باشد. تحلیل دوگان‌سازی برای هر نظریه‌ی واژه-

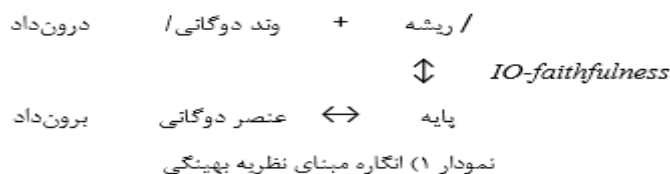
^۱. correspondence

^۲. Wilson

^۳. evaluator

^۴. Alan Prince and Paul Smolensky

شناسی چالش برانگیز است. باید به خاطر داشت که دوگان‌سازی به تطابق میان بخشی از آهنگ عنصر دوگانی و پایه برمی‌گردد که پیامد آن هماهنگی جزء مکرر با پایه است (کاتامبا و استونهام، ۲۰۰۶). قاعده تطابق موضوع مهمی در نظریه بهینگی محسوب می‌شود که با سه نوع محدودیت توأم می‌شود: (الف) محدودیت‌های ماهیتی پایه و عنصر دوگانی که تضمین‌کننده تطابق میان پایه و عنصر نسخه‌برداری شده است؛ (ب) محدودیت‌های پایایی؛ و (پ) محدودیت‌های نشان‌داری که هر دو پیش‌از این مورد بحث قرار گرفت (مکارتی و پرینس، ۱۹۹۵: ۳۸۴-۲۴۹). عنصر دوگانی (که اغلب به‌طور مخفف RED نامیده می‌شود) به‌طور معمول یک وند است که باید با پایه ترکیب شود. برای مثال، حاصل ترکیب ریشه با عنصر دوگانی، درون‌داد خواهد بود. محدودیت‌های پایایی متضمن حفظ درون‌داد در قالب گزینه‌ی بهینه در برون‌داد است، درحالی‌که ماهیت محدودیت‌های ماهیتی پایه و جزء مکرر متضمن این خواهد بود که شکل جزء مکرر انعکاسی از بخشی از شکل پایه باشد (کاتامبا و استونهام، ۲۰۰۶). این پدیده در نمودار زیر برگرفته از مکارتی و پرینس (۱۹۹۵: ۷۹) منعکس شده است:



در این نمودار، دو سطح درون‌داد و برون‌داد وجود دارد. درون‌داد فرآیند تکرار متشکل از وند مکرری است که به لحاظ واجی تهی است به‌علاوه ستاکی (زیرساختی) که وند به آن متصل می‌شود. محدودیت‌های پایایی برون‌داد- درون‌داد ملزم می‌کنند که مشخصه‌های درون‌داد (ستاکی) در برون‌داد (پایه در ترکیب جزء مکرر-پایه) حفظ شوند. محدودیت‌های همانندی جزء مکرر-پایه ملزم می‌کنند که دو بخش برون‌داد (پایه و جزء مکرر) همانند هم باشند.

۴- تحلیل فرآیند تکرار در زبان کردی در چارچوب نظریه بهینگی

همان‌طور که اشاره شد، در زبان کردی فرآیند تکرار به‌وفور مشاهده می‌شود و این به نحوی است که حتی گاهی چند واژه مکرر مختلف، یک مفهوم واحد دارند و در یک معنی به کار می‌روند. این فرآیند در زبان کردی به دو نوع کلی تکرار کامل و تکرار ناقص تقسیم می‌شود. فرآیند تکرار کامل در زبان کردی دارای شکل‌های مختلف است: الف)

تکرار کامل نوافزوده، ب) تکرار کامل افزوده (شامل افزوده پایانی و میانی)، تکرار ناقص نیز دارای دو نوع پیشوندی و پسوندی است که هریک انواع مختلفی دارد که از حیث این دسته‌بندی‌ها و انواع مختلف تکرار، زبان کردی و زبان فارسی مشابه هستند. در این پژوهش چون مجال بررسی تمامی انواع تکرار وجود ندارد به بررسی چند نمونه از انواع این تکرارها در زبان کردی اکتفا می‌کنیم تا چگونگی تحلیل فرآیند تکرار در چارچوب نظریه بهیمنگی برایمان روشن شود.

۴-۱- تکرار کامل

فرآیند تکرار کامل، فرآیندی است واژ-واجی که در آن تمام پایه تکرار می‌شود (کاتامبا و استونهام، ۲۰۰۶: ۱۸۲).

۴-۱-۱- **تکرار کامل نوافزوده:** در این فرآیند یک سازه به‌طور کامل تکرار می‌شود. تکرار کامل پایه موجب ساخت واژه‌های مکرر کامل نوافزوده می‌شود (فیاضی، ۱۳۹۲). طبق تعاریف ارائه‌شده ما داده‌هایی از زبان کردی داریم که مؤید این مطلب هستند:

(۷)	a. latlat	«پاره پاره»	c. ḡwan ḡwan	«خیلی خوب، قشنگ»
	b. ba[ba]	«لنگان لنگان»	d. werda werda	«کم‌کم، یواش‌یواش»

در این داده‌ها همان‌طور که دیده می‌شود جزء مکرر عیناً شبیه پایه بدون هیچ کاهش و افزایشی و به‌طور کامل تکرار شده است؛ که نخست قسمت پایه و بعد از آن جزء مکرر آمده و به آن مفهوم تکریر می‌بخشد. در این نمونه تطابق کامل به چشم می‌خورد، پیش‌ازاین نیز بحث شد که تطابق موضوع مهمی در نظریه بهیمنگی محسوب می‌شود و با تناظر همراه است. تطابق متضمن چند قاعده است که در این داده‌ها علاوه بر محدودیت ماهیتی که تضمین‌کننده تطابق بین پایه و جزء مکرر است، محدودیت پایایی نیز به چشم می‌خورد تا پایایی میان پایه و جزء مکرر را حفظ کند که این محدودیت علاوه بر پایه و جزء مکرر، پایایی برون‌داد به درون‌داد را نیز در برمی‌گیرد و در جای خود بحث خواهد شد. در این داده‌ها از جمله محدودیت‌های پایایی ضروری محدودیت MAX است، مبنی بر اینکه در انطباق برون‌داد نسبت به درون‌داد هیچ عنصری حذف نشود. این عدم حذف در تکرار کامل هم پایه و جزء مکرر و هم درون‌داد و برون‌داد را در برمی‌گیرد یعنی حذف نباید در هیچ‌یک از جزءهای پایه و جزء مکرر و

برون داد صورت بگیرد تا به گزینه بهینه موردنظر برسیم. به همین دلیل ما دو محدودیت تحت عنوان MAX I-O و MAX B-R داریم. در تحلیل‌ها محدودیت MAX I-O و MAX B-R هم‌تراز قرار می‌گیرند و قابل رتبه‌بندی نیستند که در توضیح تابلو زیر مشخص است. دیگر محدودیت پایایی در این نمونه‌ها DEP است که طبق آن در انطباق درون‌داد نسبت به برون‌داد هیچ عنصری نباید درج نشود و می‌تواند به صورت DEP I-O و DEP B-R باشد که در تناظر درون‌داد با برون‌داد و پایه با جزء مکرر درج صورت نگیرد تا اصل پایایی بیشتر و بیشتر حفظ شود. محدودیت بعدی که در مرتبه پایین قرار می‌گیرد، محدودیت نشان‌داری NO CODA است. بر اساس آن هجای باز بر بسته ترجیح دارد و هجا نباید به همخوان ختم گردد؛ بنابراین برای توجیه فرآیند تکرار کامل در قالب محدودیت‌های گفته‌شده تابلوی زیر را خواهیم داشت:

تابلوی (۴-۱) رتبه‌بندی محدودیت‌ها در ساخت تکرار کامل نافزوده در واژه (lat lat)

/lat + RED/	MAX I-O	MAX B-R	DEP B-R	DEP I-O	NO CODA
a. lat.lat					**
b. lat.la		*!			*
c. la.lat	*!	*			*
d. lat.la.ta			*!		*
e. la.ta.lat				*!	*

همان‌طور که در تابلوی (۴-۱) مشاهده می‌شود محدودیت‌های MAX I-O، MAX B-R و DEP I-O هم‌تراز هستند یعنی باهم تعارض^۱ ندارند، مکارتی (۲۰۰۸: ۴۱) معتقد است که برای رتبه‌بندی دو محدودیت نسبت به هم ضروری است که این محدودیت‌ها با هم تعارض داشته باشند. دو محدودیت با هم در تعارض هستند، اگر از بین دو گزینه رقیب، هریک از محدودیت‌ها انتخاب متفاوتی به‌عنوان گزینه بهینه داشته باشد (باید یکی از گزینه‌ها گزینه واقعی باشد). به عبارت دیگر، اگر محدودیت c_1 گزینه a و محدودیت c_2 گزینه b را ترجیح دهد، در این صورت این دو محدودیت با هم در تعارض هستند. در چنین تعارضی یکی از محدودیت‌ها برآورده شده و دیگری نقض می‌شود. اگر دو محدودیت، هر دو، به وسیله گزینه‌های رقیب نقض شوند، باز می‌توانند با هم تعارض داشته باشند. اگر یکی از گزینه‌ها گزینه

^۱. conflict

برنده باشد، محدودیتی که، علیرغم نقض شدن، گزینه برنده را بر گزینه بازنده ترجیح می‌دهد، باید رتبه بالاتری نسبت به محدودیت دیگر داشته باشد (رضی‌نژاد، ۱۳۹۱). با توجه به این توضیحات نمی‌توان محدودیت‌های پایایی را در تابلوی (۴-۱) رتبه‌بندی کرد و باهم هم‌تراز هستند. در این تابلو محدودیت‌های پایایی بر محدودیت نشان‌داری تسلط دارند. بدین معنی که چهار محدودیت پایایی در این تابلو بر محدودیت نشان‌داری آخر تسلط دارند. گزینه بهینه در اینجا گزینه a است که تنها از محدودیت رتبه پایین تخطی داشته و در بخش ارزیاب به‌عنوان گزینه بهینه پذیرفته شده است، پرینس و اسمولنسکی نیز بر این باورند که تخطی‌پذیری به این معناست که نیازی نیست تا گزینه بهینه همه محدودیت‌ها را ارضا کند (پرینس و اسمولنسکی، ۱۹۹۳). در نظریه بهینگی استاندارد، محدودیت‌ها به‌شدت رتبه‌بندی شده‌اند که گاه این محدودیت‌ها تخطی پذیرند. رتبه‌بندی محض^۱ به این معناست که هرگاه گزینه‌ای از یک محدودیت تراز بالا تخطی کند، آنگاه نمی‌تواند با ارضا کردن محدودیت‌های تراز پایین، خود را به‌عنوان گزینه بهینه و برون‌داد معرفی کند (کیجر، ۱۹۹۹). غیر از گزینه a که گزینه بهینه است سایر گزینه‌ها همه یک تخطی مهلك^۲ داشته‌اند. به این معنی که از محدودیت‌های تراز بالا تخطی کرده‌اند.

۴-۱-۲- تکرار کامل افزوده: در فرآیند تکرار کامل افزوده، هم‌زمان با تکرار پایه، تکواژ دستوری (آزاد یا وابسته) نیز به این ترکیب افزوده می‌شود. با توجه به جایگاه این تکواژ دستوری، فرآیند تکرار کامل افزوده را می‌توان به انواع میانی و پایانی تقسیم کرد. الف) تکرار کامل افزوده میانی: در این فرآیند یک وند بین قسمت پایه و جزء مکرر قرار می‌گیرد؛ که این وند میانی شامل: (a, wa, aw, awa) هستند. در زیر نمونه‌هایی از این نوع تکرار با میان‌وند (a) را بررسی می‌کنیم:

(۸) a. ʃalaʃal	«لنگان لنگان»	d. tersaters	«ترسان ترسان»
b. xɔwaxɔw	«تنبلی و شل بازی»	e. narmanarm	«یواش یوش»

در این داده‌ها میان‌وند a پس از پایه و قبل از جزء مکرر قرار گرفته است. برای مثال الگوی واژه (ʃala ʃal) به این صورت است:

$$\text{ʃala ʃal} \rightarrow \text{ʃal} + \text{a} + \text{ʃal} \rightarrow \text{cvc} + \text{v} + \text{cvc}$$

1. strict ranking

2. fatal violation

در ساخت این گروه از واژه‌ها نیز، همچون تکرار نا افزوده، محدودیت‌های پایایی در رتبه بالاتر از نشان‌داری قرار می‌گیرند، چون جزء مکرر عیناً همانند پایه بدون هیچ کاهش و افزایشی به‌طور کامل تکرار شده است؛ اما همان‌طور که گفته شد در ساخت این گروه میان‌وندی وجود دارد که بدون آغاز است. اما در زبان کردی محدودیت نشان‌داری آغاز از جمله محدودیت‌های تخطی ناپذیر است و تخطی از آن مهلک شمرده می‌شود، حیدرپور و شقاقی (۱۳۹۰) نیز آن را از جمله محدودیت‌های تخطی ناپذیر زبان فارسی معرفی کرده‌اند. این محدودیت اجازه تشکیل هجای بدون آغاز را نمی‌دهد (هر هجا باید با همخوان شروع شود). به همین دلیل در رتبه‌بندی محدودیت‌ها در تراز بالاتر از محدودیت‌های پایایی قرار می‌گیرد. برای ارضای این محدودیت، همخوان پایانی کلمه پایه در آغاز هجای بعد قرار می‌گیرد اما این امر باعث به هم خوردن انطباق پایان هجا و پایان تکواژ (پایه) می‌شود و محدودیت (ALIGN-R (B-σ) یا انطباق-راست [پایه-هجا] نقض می‌شود.

ALIGN-R (B-σ) یا انطباق-راست [پایه-هجا]: حاشیه سمت راست پایه باید با حاشیه سمت راست هجا تطبیق کند. عبارت دیگر برای ارضا محدودیت آغاز محدودیت انطباق-راست [پایه-هجا] نقض می‌شود. بنابراین برای انتخاب گزینه بهینه باید محدودیت انطباق-راست [پایه-هجا] در رتبه پایین‌تری نسبت به محدودیت آغاز و محدودیت‌های پایایی قرار بگیرد. تابلوی زیر رتبه‌بندی محدودیت‌ها در ساخت تکرار کامل میانی نشان می‌دهد:

تابلوی (۲-۴) رتبه‌بندی محدودیت‌ها در ساخت تکرار کامل میانی (a) واژه (jal jal)

/jal . a . RED/	ONSET	MAX I-O	DEP B-R	DEP I-O	ALIGN-R (B-σ)	NO CODA
a. ja.la-jal					*!	*
b. jal-jal		*!				**
c. jal-a-jal	*!					**
d. ja.la-jall			*!		*	
e. ja.la-ja.la				*!	*	

همان‌طور که تابلوی (۲-۴) نشان می‌دهد محدودیت آغاز و محدودیت‌های پایایی در رتبه بالاتری نسبت به محدودیت انطباق-راست [پایه-هجا] و محدودیت NO CODA قرار می‌گیرند اما این دو محدودیت اخیر نسبت به هم رتبه‌بندی نمی‌شوند چون باهم

تعارضی ندارند و رتبه‌بندی آنها در انتخاب گزینه بهینه دخیل نیست. گزینه (c) با تخطی از محدودیت آغاز در واقع تخطی مهلک مرتکب شده و از دور رقابت خارج می‌شود. گزینه‌های (b,d,e) نیز هریک محدودیت‌های تراز بالا را نقض کرده‌اند و نمی‌توانند گزینه بهینه واقع شوند. گزینه (a) با آنکه از محدودیت‌های ALIGNR(B-σ) و NO CODA تخطی کرده، بهینه است چون تخطی کمینه بوده، در این گزینه واج /l/ با قرار گرفتن در جایگاه آغاز هجای دوم محدودیت آغاز را ارضا کرده و نسبت به دیگر گزینه‌ها تخطی کمتری از محدودیت NO CODA داشته است.


(ب) تکرار کامل افزوده پایانی: در این فرآیند قسمت تکرارشونده بعد از پایه قرار می‌گیرد و وند افزوده یا پسوند پس از این دو در انتهای واژه قرار می‌گیرد. مثال‌های زیر نمونه‌ای از این نوع تکرار در زبان کردی هستند.

- «گه گاهی» c. *ḡardḡare* «سرسره بازی» a. *xezxezakani* (۹)
 «نوعی اسباب بازی» d. *zerzera* «جست و خیز» b. *bazbazakani*

در ساخت این واژه‌ها همان‌طور که بحث شد، پایه، جزء مکرر و پسوند قرار گرفته است. الگوی ساختواری گزینه (a) بدین‌صورت است که متشکل از CVC+CVC+V+CVCV است. اولین CVC پایه، دومی جزء مکرر که به‌صورت کامل تکرار شده و پسوند پایانی بعد از آن متشکل از واکه و پسوندی که بیان‌کننده حالت است.

در ساخت این گروه نیز میان‌وندی وجود دارد که بدون آغاز است. اما همان‌طور که اشاره شد در زبان کردی محدودیت نشان‌داری آغاز از جمله محدودیت‌های تخطی ناپذیر است که در رتبه بالا قرار می‌گیرد و تخطی از آن مهلک شمرده می‌شود. با اعمال این محدودیت، محدودیت انطباق-راست (پایه-هجا) نقض می‌شود اما این محدودیت نشان‌داری در رتبه پایینی قرار دارد. محدودیت‌های پایایی که در فرآیند تکرار بسیار تعیین‌کننده هستند در رتبه بالاتری نسبت به محدودیت انطباق-راست (پایه-هجا) واقع می‌شوند. محدودیت انطباق-راست (پایه-هجا) و NO CODA هم به صورت هم‌تراز در رتبه‌های پایین‌تر محدودیت‌ها قرار می‌گیرند. در نهایت اینکه رتبه‌بندی محدودیت‌ها نظیر تکرار کامل میانی است.

تابلوی (۳-۴) رتبه‌بندی محدودیت‌ها در ساخت تکرار کامل پایانی، واژه (xez xeza kani)

/xez + RED + a + kani /	ONSET	MAX I-O	MAX B-R	DEP B-R	ALIGN-R(B-σ)	NO CODA
a.  a. xez-xe.za-ka.ni					*	*
b. xez-xez		*!				**
c. xez-xez-a-kani	*!				*	**
d. xez-xe.za		*!	*		*	*
e. xez-xe.za-ka.nki				*!	*	*

تابلوی (۳-۴) نشان می‌دهد که گزینه (a)، گزینه بهینه است، چون از دو محدودیت پایانی تخطی کمینه داشته و در نتیجه گزینه بهینه است اما سایر گزینه‌ها از محدودیت‌های رتبه بالاتر تخطی کرده‌اند.

۲-۴- تکرار ناقص: برخلاف فرآیند تکرار کامل، در فرآیند تکرار ناقص بخشی از کلمه پایه در فرآیند تکرار یا کپی پایه حذف می‌شود و تغییر می‌یابد؛ که شامل دو نوع است: الف) تکرار ناقص پسوندی: جزء مکرر به صورت ناقص (حذف یا تغییر) پس از پایه قرار می‌گیرد. جزء مکرر در اینجا بی‌معنی است. داده‌های زیر از زبان کردی موید این مطلب هستند:

- «مرتب و منظم» c. rekopek «گه گاهی» a. *ḡarobar* (۱۰)
 «کوه و کمر» d. *fāxodax* «کار و بار» b. *karobar*

در این موارد جزء مکرر بعد از پایه قرار گرفته است و جزء مکرر اکثراً در همخوان اولی تغییر یافته‌اند یعنی به آوایی دیگر که بیشتر همخوان لبی است، تبدیل شده‌اند. مابین پایه و جزء مکرر نیز واکه‌ای با عنوان میان‌وند واقع شده است.

ساختار واژی این چهار مورد مثال به صورت $CVC + V + CVC$ است. به دلیل درج واکه میانی در این موارد و مجاز نبودن هجای بدون آغازه در این زبان باز محدودیت آغازه بکار بسته می‌شود که قبلاً بحث شده است و در این مورد هم تخطی-ناپذیر است و در بالاترین رتبه قرار می‌گیرد. گزینه بهینه با برآورده کردن این محدودیت، از محدودیت انطباق-راست (پایه-هجا) تخطی می‌کند بنابراین محدودیت انطباق-راست (پایه-هجا) در رتبه پایین قرار می‌گیرد. به دلیل تغییر جز مکرر نسبت به

پایه محدودیت B-R (c-IDENT)* توسط گزینه بهینه نقض می‌شود. این محدودیت بدین معنی است که برای رسیدن به گزینه بهینه مجاز نیست که همخوان آغازین در پایه و جزء مکرر همانند باشند. بنابراین این محدودیت باید در رتبه پایین‌تری نسبت به محدودیت‌های پایایی قرار می‌گیرد. رتبه‌بندی نهایی محدودیت‌ها برای نمایش فرایند تکرار ناقص پسوندی به صورت زیر در کلمه (ɖʒarobar) قابل مشاهده است.

تابلوی (۴-۴) رتبه‌بندی محدودیت‌ها در ساخت تکرار ناقص پسوندی واژه (ɖʒaro bar)

/ɖʒar . - o - . RED/	ONSET	MAXI-O	MAX B-R	DEP B-R	*IDENT(c-) B-R	ALIGN- R (B-o)	NO CODA
a. ɖʒa.ro-bar						*	*
b. ɖʒar-bar		*!					**
c. ɖʒar-o-bar	*!						**
d. ɖʒa.ro-ba		*!	*			*	*
e. ɖʒa-o-bar	*!	*	*				*
f. ɖʒa.ro-ba.ra				*!		**	
g. ɖʒa.ro-ɖʒar					*!	*	*

چنانکه در تابلوی (۴-۴) مشاهده می‌کنیم، گزینه (a) از دو محدودیت انطباق (راست-هجا) و بی پایانه تخطی کمینه داشته و از آنجا که این دو محدودیت در ساخت واژه‌های مکرر ناقص در زبان کردی در مرتبه پایین‌تری از محدودیت‌های پایایی و بدون آغازه قرار می‌گیرند، این گزینه توسط ارزیاب به‌عنوان گزینه بهینه انتخاب شده است. در ضمن برای اینکه گزینه (g) از گردونه رقابت خارج شود باید محدودیت (c-IDENT)* B-R نسبت به دو محدودیت انطباق-راست (پایه-هجا) و هجای بدون پایانه رتبه بالاتری داشته باشد.

(ب) **تکرار ناقص پیشوندی:** جزء مکرر به صورت ناقص (حذف یا تغییر) پیش از پایه قرار می‌گیرد. در این نوع از فرآیند دوگان‌سازی ناقص جزء مکرر باز معنای آن تهی است.

(۱۱) a. tapotuz «گرد و خاک» c. tʃerotʃekul «خس و خاشاک»
b. ketokwer «کور و نلینا» d. wetowefɔw «گل و گشاد»

در مورد تکرار ناقص پیشوندی در مقایسه با تکرار ناقص پسوندی باید این نکته را متذکر شویم که: در تکرار ناقص پسوندی در زبان کردی اختلاف بین پایه و جزء مکرر چنانکه دیدیم جزئی و در حد تغییر همخوان آغازی بود، اما در مورد پسوندی این

اختلاف فاحش تر می‌شود، یعنی تنها عناصری از جزء مکرر همانند پایه تکرار می‌شود. ما در این داده‌ها دو نوع الگوی تکرار بین عناصر پایه و جزء مکرر را داریم که برای هر یک باید تحلیلی جداگانه ارائه کرد. در دو گزینه اول (a, b) الگوی ساختاری پایه و جزء مکرر (cvc + v + cvc) است که از این الگو تنها همخوان آغازی همسان است و بقیه عناصر از لحاظ آوایی متفاوت هستند که این ساختار قواعد و محدودیت‌های ویژه‌ای را در اختیار می‌گیرد. برای مثال در گزینه (a) از موارد شماره ۱۱ علاوه بر نیاز به محدودیت بدون آغازه که ناشی از وجود واکه میانی است و متعاقباً محدودیت انطباق - راست (پایه-هجا) در رتبه پایین، محدودیت IDENT I-O (High) نیز مورد نیاز است.

IDENT I-O (High): درون‌داد و برون‌داد در واکه افراشته (u) باهم همانند هستند. با توجه به تغییر مشخصه افراستگی در گزینه بهینه این محدودیت نیز توسط گزینه بهینه نقض می‌شود بنابراین در رتبه پایین‌تری نسبت به سایر محدودیت‌های پایایی قرار می‌گیرد. همچنین به دلیل عدم همانندی واکه و همخوان پایانی در پایه و جزء مکرر محدودیت IDENT(-vc)B-R فعال است. این محدودیت همانندی واکه و همخوان پایانی در پایه و جزء مکرر را مجاز نمی‌داند.

تابلوی (۴-۵) رتبه‌بندی محدودیت‌ها در ساخت تکرار ناقص پیشوندی واژه (tapo tuz)

/RED + o + tuz/	ONSET	DEP I-O	MAX I-O	IDENT I-O	*IDENT (-vc) B-R	ALIGN- R (B-σ)	IDENT I-O (High)	NO-CODA
a. ta.po-tuz						*	*	*
b. tu.zo-tuz					*!*	*		*
c. ta.po-tap				*!		*	*!	*
d. tap-o-tuz	*!							
e. ta.po-tu.zo		*!				*		
f. ta.po.tu			*!			*		
g. tu.po.tuz					*!	*		*

در تابلوی (۴-۵) گزینه‌های (e,f) به دلیل تخطی از محدودیت‌های پایایی حذف و درج از رقابت خارج می‌شوند. گزینه c به دلیل تغییر مشخصه در بخش پایه برون‌دادی نسبت به درون‌داد تخلف مهلک مرتکب شده است و به همین دلیل از گردونه خارج می‌شود. همچنین وجود گزینه c دلیلی است بر اینکه محدودیت IDENT I-O باید در رتبه بالاتری نسبت به محدودیت IDENT (-vc) B-R واقع شود. گزینه‌های (b,g) به دلیل تخطی از محدودیت IDENT (-vc) B-R از رقابت خارج می‌شوند

و در نهایت گزینه بهینه a علی‌رغم تخطی از محدودیت‌های (ALIGN- R (B- σ ، IDENT I-O (High) و NO-CODA به عنوان گزینه بهینه انتخاب می‌شود.

۵- نتیجه

از مطالعه حوزه ساختواژه در زبان کردی (گویش اردلانی) مشخص می‌شود که در این گویش فرآیند تکرار کاربرد بسیاری دارد. تکرار کامل افزوده شامل دو نوع افزوده میانی و پایانی است که افزوده میانی دارای ساختارهای گوناگونی است. تکرار ناقص نیز در زبان کردی به انواع ناقص پیشوندی و پسوندی تقسیم می‌شود که هر نوع ساختار واژگانی و معنایی خاص خود را دارد. آنچه در این مقاله از تحلیل انواع فرآیند تکرار در زبان کردی به دست آمده، نشان داد که تحلیل هر یک از انواع تکرار محدودیت‌های خاص خود را در ساخت واژگانی می‌طلبد تا به برونداد بهینه که همان ساخت موردقبول اهل زبان از نظر ساخت و معنای خاص آن است، برسیم. حتی در یک نوع خاص از این فرآیند مثلاً در تکرار ناقص پیشوندی، ترتیب قرارگیری عناصر پایه و جزء مکرر، محدودیت‌ها و سلسله‌مراتب ویژه خود را می‌طلبد؛ بنابراین با بررسی داده‌ها در هر نوع از فرآیند تکرار در چارچوب نظریه معیار بهینگی می‌توان با مرتبه بندی متفاوت محدودیت‌های تناظر و نشان‌داری، ساخت انواع واژه‌های مکرر زبان کردی را بر اساس معنایی که در بردارند تحلیل و توصیف کرد.

منابع

- آرلاتو، آنتونی، (۱۳۸۴). *درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی*، یحیی مدرس، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حیدرپور بیدگلی، تهمینه و شقاقی، ویدا (۱۳۹۰). رویکرد نظریه بهینگی به فرآیند تکرار با نگاهی به واژه‌های مکرر فارسی، *مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی*، سال سوم، شماره اول، صص ۴۵-۶۶.
- دبیر مقدم، محمد (۱۳۸۹). *زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی*، تهران، سمت.
- رخزادی، علی (۱۳۷۹). *آواشناسی و دستور زبان کردی*، تهران، انتشارات ترفند.
- رضی‌نژاد، سید محمد (۱۳۹۱). توالی هماهنگ در زبان ترکی آذربایجانی. *مجله زبان و زبان‌شناسی*، سال هشتم، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۱۵-۳۳.
- شرف‌کنندی، عبدالرحمان (۱۳۶۹). *فرهنگ کردی- کردی فارسی (هه نیانه بورینه)*، تهران، سروش.
- فیاضی، مریم سادات (۱۳۹۲). تکرار در گویش گیلکی، *نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، سال سوم، شماره ۶، صص ۱۳۵-۱۵۷.

- Haspelmath, M. 2002. *Understanding morphology*, London, Arnold.
- Kager, R. 1999. *Optimality Theory*, Cambridge, Cambridge University Press
- Katamba, F, and Stonham, J. 2006. *Morphology*. 2nd ed, New York, Palgrave Macmillan
- Lieber, R. 2009. *Introducing morphology*, Cambridge, Cambridge University Press
- McCarthy, John J. 2008. Doing optimality theory applying theory to data, Cambridge, Blackwell
- McCarthy, J. and Prince, A. S. 1995. Faithfulness and Reduplicative Identity, *UMOPL: Papers in Optimality Theory* (University of Massachusetts), Linguistics, 18: 249-384.
- Moaravcik: K, E. A. 1978. Reduplicative constructions, *universals of Human Language*, 3: 297-334.
- Prince, A and Smolensky, P. 1993. *Optimality theory: constraint Interaction in Generative Grammar*, Cambridge, Blackwell
- Sapir, E. A. 1921. *Language*, New York, Harcourt, Brace & World.
- Spenser, A. 1991. *Morphological Theory: An Introduction to Word Structure in Generative Grammar*, Cambridge, Blackwell
- Trask, R. L. 1997. *A Students Dictionary of language and linguistics*, London, Arnold
- Wilson, c. 2001. Consonant cluster neutralization and targeted constraints, *Phonology*, 18:147-197.

